

مفهوم کارآمدی سیاسی در اندیشه متفکران اسلامی

مهدی ابوطالبی*

زمانه ، شماره ۵۹

اندیشه‌ورزی عالمان دین مقوله‌ای در خور تأمل در تحلیل‌های سیاسی به شمار می‌رود. بررسی چگونگی تفکر و فرایند دشوار حل مسأله نزد ایشان به جهت تأثیرگذاری آرا و نظریاتشان در حیات سیاسی - اجتماعی و اقتصادی حائز اهمیت فراوان است. نکته مغفول و مهم در تحلیل‌ها، همانا توجه به همسانی چارچوب‌های فکری و اندیشه‌ای علمای دین می‌باشد. هرچند تفاوت‌های ناشی از ادراک و زندگی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، زمینه‌ساز اختلاف رأی و نظر می‌گردد، استواری چارچوب‌های اندیشه‌ورزی علمای دین، موجب می‌گردد که به لحاظ مبنایی تفرقی وجود نداشته باشد. توجه به این مهم نکته‌ای راهگشا در تحلیل‌های سیاسی در این زمینه است. مقایسه آرا مؤیدی بر این مدعاست. مقاله پیش‌رو، موضوع کارآمدی سیاسی را نزد حاج آقا نورالله اصفهانی(ره) و امام‌خمینی(ره) مقایسه کرده است.

یکی از مباحث بسیار مهم و بحث‌برانگیز در اندیشه سیاسی، بحث کارآمدی سیاسی است. این بحث از آنجاکه در مورد جنبه‌های عینی و عملی موفقیت یک نظام در تحقق اهداف و برنامه‌هایش و رسیدگی به وضعیت مادی و معنوی مردم می‌باشد، اهمیت فراوانی پیدا کرده است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نظام سیاسی حاکم در ایران بر اساس تعالیم اسلامی شکل گرفت و در حقیقت نیروهای انقلابی از همان ابتدای شروع نهضت نیز در پی تحقق نظام سیاسی اسلام در ایران بودند، به همین دلیل از همان زمان یکی از سؤالات اساسی مطرح در میان نخبگان داخلی و خارجی، بحث کارآمدی نظام سیاسی اسلام بود. امام (ره) نیز یکی از دو تذکر مهمی که در ابتدای وصیت‌نامه خود مطرح می‌کنند اشاره به همین مسأله و همین دغدغه است و پاسخ به کسانی است که می‌گویند تعالیم اسلامی به سال‌ها پیش مربوط است و برای امروز کارآیی ندارد. هم‌اکنون نیز با گذشت یک ربع قرن از حاکمیت نظام جمهوری اسلامی ایران و ظهور برخی مشکلات و نارسایی‌ها و ایجاد موانع و تنگناهای مختلف توسط مخالفان انقلاب، این بحث به طور جدی‌تر و در قالب‌ها و اشکال مختلف مطرح شده است.

وقوع انقلاب اسلامی ایران و تشکیل نظام جمهوری اسلامی به عنوان نمونه عینی یک حکومت اسلامی در زمان غیبت (عج) ریشه در حوادث بسیاری در تاریخ معاصر ایران دارد. بدون تردید اگر حکومت صفوی در ایران تشکیل نمی‌شد و تشیع این‌گونه در عمق جان و فکر و ذهن مردم ایران شکل نمی‌گرفت - به گونه‌ای که به تعبیر نیکی کدی،

ایران‌شناس معروف امریکایی، هویت شیعی جزئی از هویت ایرانی شده است و این دو تفکیک‌شدنی نیستند [1] – در ایران انقلاب اسلامی رخ نمی‌داد؛ چرا که به اعتراف بسیاری از نظریه‌پردازان انقلاب، یکی از علل اصلی پیروزی انقلاب در ایران ایدئولوژی شیعی بود.

بدون تردید می‌توان گفت حکومت استبدادی رضاخان، تحقق اهداف و نیات نیروهای سکولار فعال در مشروطه، و انقلاب اسلامی ایران، تحقق اهداف و نیات حقیقی نیروهای مذهبی مشروطه بود. بنابراین می‌توان گفت به نوعی همان چیزی را که نیروهای مذهبی مشروطه دنبال می‌کردند، امام خمینی (ره) در این نهضت دنبال می‌کرد و آن چیزی نبود جز حاکمیت اسلام و اجرای قوانین اسلامی در حد ممکن و مقدور در هر زمان. لذا در دوران نهضت مشروطیت نیز به نوعی این موضوع مطرح بوده است و علمای آن دوره در قالب رساله‌های مختلف آن را بازگو کرده‌اند. یکی از کسانی که هم در مقام نظر و هم در مقام عمل به این مسأله توجه نموده حاج آقا نورالله اصفهانی (ره) است. ایشان شخصیتی است که قطعاً مبارزاتشان در زمان رضاخان در افکار و روحیات مبارزاتی امام خمینی (ره) مؤثر بوده است.

امام خمینی (ره) در سخنانش به قیام حاج آقا نورالله و حضور خودشان در این واقعه اشاره کرده و ایشان را جزء پیشتازان روحانیت در سنگر جهاد علیه استبداد دانسته است: «چند قیامی که در ایران از جانب روحانیون شد که یکی از آنها از اصفهان بود که به يك دایره وسیعی که تقریباً از همه شهرهای ایران اتصال پیدا شد و در قم مجتمع شدند و حاج آقا نورالله رأسشان بود و مخالفت با رضاخان کردند.» [2]

حاج آقا نورالله با پذیرش اندیشه تفکیک‌ناپذیری دین و سیاست، نه تنها این اندیشه را تفسیر شرعی و اصولی کرد، بلکه در صحنه عمل سیاسی و اجتماعی در نواحی وسیعی از اصفهان، بختیاری و مرکز ایران، حکومتی مطابق آنچه در نظر داشت برپا نمود. از آنجا که وی چند سال حکومت عملی داشت و به خوبی بر بسیاری از موارد ریز و جزئی ولی مهم وقوف حاصل کرده، نوشته او در این زمینه، که در دوره فترت مشروطیت تألیف شده، حائز اهمیت است. این نوشته ناظر به عمل و فارغ از قلم‌فرسایی و آرمان‌گرایی است؛ لذا می‌توان گفت به طور عینی بحث کارآمدی را مطرح و بررسی کرده است.

با توجه به مطالب فوق در مقاله حاضر سعی شده است بحث کارآمدی سیاسی از منظر حاج آقا نورالله اصفهانی (ره)، یکی از علمای فعال عصر مشروطه، و از نگاه امام خمینی (ره) بررسی شود تا اشتراك این دو حرکت اصیل مذهبی آشکار گردد.

مفهوم کارآمدی

از نظر لغوی، کلمه کارآمدی معادل واژه لاتین *اِفکتیونس* (effectiveness) می‌باشد و در متون انگلیسی با این تعبیر از آن بحث می‌کنند. این اصطلاح در زبان فارسی به تأثیر، سودمندی، اثر بخشی، کارایی و فایده ترجمه شده است. [3] اصطلاح کارآمدی بیشتر در سه قلمرو مدیریت، اقتصاد و سیاست کاربرد دارد. در فرهنگ علوم سیاسی این اصطلاح به اثربخشی، تأثیر، توانایی نفوذ، کفایت، قابلیت و لیاقت معنا شده است. در تعریف دیگری کارآمدی با کارایی مترادف گرفته شده و این گونه تعریف گردیده است: قابلیت و توانایی رسیدن به هدف‌های تعیین‌شده و مشخص. سنجش مقدار کارایی از طریق مقایسه مقدار استاندارد با هدف یا مقدار کیفیتی که عملاً به دست آمده است انجام

می‌شود. [4] در فرهنگ اقتصادی، کارآمدی و کارآیی، مترادف گرفته شده و چنین تعریف گردیده است: استفاده مطلوب از منابع یا عوامل تولید یا قابلیت و توانایی رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده. [5] در مدیریت، کارآمدی به درجه و مقداری که يك اقدام یا فعالیت به هدف پیش‌بینی شده نایل می‌شود، [6] یا به نسبت ستاده‌ها به نهاده‌ها، تعریف شده است. [7]

برای تعیین ملاک و فاکتور لازم برای ارزیابی کارآمدی يك حکومت، باید عوامل مختلفی را مد نظر قرار داد و بر اساس این عوامل کارآمدی و ناکارآمدی يك حکومت را تعیین کرد. با ملاحظه تمام تعاریف فوق می‌توان در يك جمع‌بندی تعریفی ارائه داد که به طور کلی حاوی روح همه این تعاریف باشد و در عین حال مشکلات آنها را نداشته باشد، لذا می‌توان گفت:

«کارآمدی عبارت است از موفقیت در تحقق اهداف با توجه به امکانات و موانع.» [8]

اهداف در بحث کارآمدی تابع نظام ارزشی است. نظام ارزشی نیز به طور کلی تابع نظام جهان‌شناسی است. علاوه بر اهداف، نظام ارزشی بر بعضی امکانات و موانع نیز تأثیرگذار است. بنابراین کارآمدی هر نظام با توجه به جهان‌بینی و نظام ارزشی آن مشخص می‌گردد. [9] اهداف به طور کلی به دو دسته غایی و متوسط تقسیم می‌شوند. امکانات نیز به دو دسته کلی مادی - یعنی آنچه که به طور طبیعی در اختیار يك نظام قرار دارد، مثل: منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی، وضعیت آب و هوایی، ضرب هوشی و استعدادهاي طبیعی و ... - و معنوی مثل مشروعیت، قواعد و مقررات مناسب، مبانی اندیشه‌ای، تعهد و تخصص نیروی انسانی، نظارت و کنترل، مدیریت و ... تقسیم می‌شوند. موانع نیز به دو دسته کلی موانع داخلی و خارجی یک نظام تقسیم می‌شوند.

رابطه مشروعیت و کارآمدی

دو رکن مهم در هر نظام سیاسی، کارآمدی و مشروعیت است. لذا یکی از مباحث مهم در کارآمدی، بحث رابطه میان این دو است. [10] توجه به معنای مشروعیت و کارآمدی، و جایگاه آنها در ساختار يك نظام سیاسی در درک این نسبت مؤثر است. مشروعیت در اندیشه سیاسی یعنی «حق فرمان راندن و اعمال حکومت حاکم و تکلیف فرمانبری مردم»؛ لذا بحث از مشروعیت در حقیقت بحث از توجیه چنین حق و تکلیفی است. به عبارت دیگر هر حاکمی از ابتدای حکومت به حق فرمان دادن و اعمال سیاست و حکمرانی نیازمند است و بدون این حق، دستورها و کارهای او نامشروع تلقی می‌گردد. مردم نیز برای اطاعت و فرمان‌برداری از حاکم از همان ابتدا نیازمند دلیلی موجه‌اند، در غیر این صورت اطاعت آنان نامشروع می‌باشد. [11] همان‌گونه که ذکر شد، کارآمدی مربوط به مقدار تحقق اهداف با توجه به امکانات و موانع است، و تحقق اهداف مستلزم قوانین، روش‌های درست و افراد و نیروهای کاراست. روشن است که این گونه امور متأخر از مشروعیت هستند. از این‌رو کارآمدی يك نظام نمی‌تواند عامل پیدایش مشروعیت اولیه آن باشد. اما اینکه می‌تواند بر مشروعیت تأثیرگذار باشد یا نه؟ و نیز وجوه اختلاف آنها بحث دیگری است که در ذیل مطرح شده است.

الف- تأثیر کارآمدی بر مشروعیت:

پاسخ به این پرسش را که آیا کارآمدی بر مشروعیت تأثیر می‌گذارد یا خیر، باید در ملاک و خاستگاه مشروعیت جستجو کرد. به طور کلی می‌توان دو نوع خاستگاه برای مشروعیت قائل شد:

۱- مشروعیت مردمی: مراد از مشروعیت مردمی این است که مبنای مشروعیت را اموری چون قرارداد اجتماعی، خواست و رضایت و پذیرش مردم بدانیم. در این صورت می‌توان گفت که مقدار کارآمدی می‌تواند بر مشروعیت تأثیرگذار باشد. [12] حتی می‌تواند به دسته‌ای از نظام‌های فاقد مشروعیت اولیه، مانند نظام‌های کودتایی، مشروعیت ثانویه ببخشد. بنابراین ملاک، ناکارآمدی نظام، کاهش مشروعیت، و کارآمدی آن، افزایش مشروعیت را موجب می‌شود.

۲- مشروعیت الهی: مراد از مشروعیت الهی این است که ملاک مشروعیت را مستقل از نظر مردم و اموری چون قرارداد اجتماعی، خواست و رضایت و پذیرش مردم، و وابسته به اذن و خواست الهی بدانیم. در این صورت کارآمدی یا ناکارآمدی هیچ تأثیری بر مشروعیت نمی‌گذارد؛ چنان‌که خواست و رضایت مردم نسبت به فردی نالایق برای حکومت ذره‌ای به او مشروعیت نمی‌بخشد و نارضایتی مردم نسبت به فرد صالح و لایق، اندکی از مشروعیت او نمی‌کاهد. البته بدیهی است که صالح‌ترین فرد نیز بدون حمایت و اقبال مردم نمی‌تواند حکومت کند و نظامی که از مقبولیت مردم برخوردار نیست، کارآمدی لازم را ندارد و نظامی که کارآمد نباشد، مقبول واقع نمی‌شود. [13] اما کارآمدی بر مشروعیت الهی تأثیر نمی‌گذارد.

ب- تمایزات:

به طور کلی می‌توان سه تمایز کلی بین مشروعیت و کارآمدی قائل شد: ۱- مشروعیت مفهومی فلسفی و محور بحث در فلسفه سیاسی است. کارآمدی مفهومی علمی و محور بحث در علم سیاست است. لذا این دو تمایزی ماهوی دارند؛ ۲- مشروعیت تشکیک‌بردار نیست، اما کارآمدی تشکیک‌بردار است؛ ۳- مشروعیت بحث از حقانیت نظام است، کارآمدی بحث از درستی ساختار، قواعد و مقررات آن.

کارآمدی سیاسی از نظر حاج‌آقا نورالله (ره) و امام‌خمینی (ره)

در الگوهایی که عمدتاً نظریه‌پردازان غربی طرح کرده‌اند یا بحث هدف اساساً جزء عوامل کارآمدی حکومت نیست - مثل تئوری رضایت که هدف حکومت مطرح نیست، بلکه مهم جلب رضایت مردم است ولو اینکه حکومت به اهداف خود هم نرسیده باشد - یا اگر هم هست، راه رسیدن به آن اصلاً مهم نیست، مهم رسیدن به هدف است - مثل تئوری توفیق - یا اینکه به راه رسیدن به هدف هم توجه شده است، ولی مهم نیست که هدف چیست؛ مثل تئوری سیستمی و تئوری نسبیت. براساس این نظریات اگر حکومت اهداف غیر انسانی داشته باشد و از طرق متناسب با اهداف، به آنها دست یابد، این حکومت کارآمد خواهد بود. از همین روی در بحث کارآمدی سیاسی از نظر حاج‌آقا نورالله و امام (ره)، با توجه به الگوی فوق، در این مقاله سعی شده است که نکات زیر تبیین گردد که از نظر ایشان يك نظام سياسي مطلوب و کارآمد باید چه اهدافی را دنبال کند و از چه امکانات و ظرفیت‌هایی (اصول، ابزار، منابع و ...) برای رسیدن به این اهداف بهره ببرد؟ [14] به این منظور از دو نوع سخنان و آثار این بزرگواران استفاده شده است:

۱- مطالبی که امام قبل و بعد از انقلاب به عنوان اهداف و امکانات لازم برای رسیدن به حکومت اسلامی کارآمد، و حاج‌آقا نورالله به عنوان اهداف و امکانات لازم برای رسیدن به حکومت مشروطه به عنوان حکومت مطلوب آن زمان مطرح می‌کردند.

۲- نقایص و مشکلاتی که امام(ره) در نقد حکومت پهلوی به عنوان يك حکومت ناکارآمد مطرح می‌کردند و نشان از این دارد که يك حکومت کارآمد باید این نقایص را رفع کند و چنین مشکلاتی نداشته باشد. همچنین مطالبی که حاج‌آقا نورالله به عنوان اشکالات و نقایص حکومت استبدادی به عنوان يك حکومت ناکارآمد مطرح می‌کردند. لذا در این بحث نیز در هر يك از موارد از هر دو نمونه برای بیان ویژگی‌های لازم برای کارآمدی حکومت استفاده شده است.

الف- اهداف

۱- هدف غایی:

امام خمینی(ره) ضمن تقسیم سیاست به حیوانی و انسانی، سیاست در اسلام را تعریف کرده و هدف غایی سیاست را در اسلام هدایت جامعه به سوی صراط مستقیم دانسته است.[15] هدف حکومت اسلامی از منظر ایشان تأمین سعادت بشر است[16] که همان رسیدن به قرب الهی است. حاج‌آقا نورالله نیز هدف اصلی حکومت را حفظ اساس اسلام و رساندن مسلمانان به بالاترین مراتب رشد مادی و معنوی می‌داند. لذا در بحث از علت اقدام عملی برای تحقق مشروطه در آن زمان و انجام نشدن چنین اقدامی در زمان‌های قبل نوشته است: «علت آن بود که هرچند ظلم از سلاطین اعصار در دربار بسیار بود، لکن اصل اساس اسلام محفوظ و به واسطه قدرتی که سلاطین اسلام داشتند، هجوم اجانب و تسلط خارجه و اضمحلال محکمه اسلام بالکلیه نمی‌شد، اما این اوقات که سلاطین بیت‌المال مسلمین را خرج شهوترانی و مصارف مضره به اسلام و تضعیف مسلمین نمودند ... ناچار به جهت حفظ اسلام در مقام احیای قانون مشروطه و... برآمد که به این وسیله اسلام را محفوظ و مسلمین را قوی و به فواید دینی و دنیوی محفوظ دارد.»[17] بنا بر آنچه گذشت بر اساس نظر هر دو بزرگوار، هدف غایی در يك حکومت مطلوب و کارآمد رساندن بشر به سعادت حقیقی است و سعادت حقیقی با گام نهادن در صراط مستقیم و عمل به دستورات شرع مقدس حاصل می‌شود. لذا وظیفه اصلی حکومت فراهم ساختن زمینه‌های رشد و تعالی انسان‌ها برای رسیدن به این مرحله است.

۲- اهداف متوسط:

با مطالعه آثار مکتوب و شفاهی امام خمینی(ره) و در آثار حاج‌آقا نورالله و نیز با توجه به اقدامات عملی ایشان، می‌توان موارد دیگری را نیز به عنوان اهداف و وظایف حکومت مطرح کرد که در حقیقت همان اهداف متوسط و میانی حکومت به حساب می‌آید. این اهداف عبارت‌اند از:

۱-۲- تعلیم و تربیت: یکی از اموری که حضرت امام(ره) از جمله وظایف و اهداف حکومت اسلامی دانسته است تعلیم و تربیت، تزکیه جامعه و فراهم کردن زمینه رشد و تعالی معنوی افراد آن است. ایشان در کتاب «ولایت فقیه» در خصوص این موضوع چنین نوشته است: «ما موظفیم آثار شرك را از جامعه مسلمانان و از حیات آنان دور کنیم و از بین ببریم و باز به این دلیل موظفیم شرایط اجتماعی مساعدی را برای تربیت افراد مؤمن و بافضیلت فراهم سازیم.»[18] یکی از اعتراضاتی که ایشان نسبت به حکومت پهلوی به عنوان يك حکومت ناکارآمد داشتند، فقدان تعلیم و تربیت اسلامی و نبود زمینه لازم برای رسیدن به تزکیه و صلاح بود. ایشان اعتقاد داشت اوضاع اجتماعی و سیاسی دوران پهلوی به گونه‌ای بود که انسان مؤمن و متقی و عادل نمی‌توانست بر ایمان و رفتار صالحش باقی بماند.[19] به اعتقاد

ایشان، اگر دانشگاه‌ها و مراکز تعلیم و تربیت دیگر با برنامه‌های اسلامی و ملی در راه منافع کشور به تعلیم، تهذیب و تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان اقدام می‌کردند، هرگز میهن ما در حلقوم انگلستان و پس از آن امریکا و شوروی فرو نمی‌رفت. [20] حاج‌آقا نورالله نیز یکی از اهداف میانی حکومت را ترویج علم و معارف و تعلیم و تربیت دانسته و معتقد است: «باید در مملکت ترویج علم و معارف کرد، باید در تمام شهرها مدارس علمیه دایر کرد و مدارس ابتداییه و متوسطه و عالییه که تمام اطفال مردم را به تعلیم و تعلم گذارد که همه صاحب علم و ثروت شوند. اولاً خواندن و نوشتن را همه کس بدانند و بتواند و آداب دین و اسلام را به قاعده به آن‌ها یاد بدهند.» [21]

ایشان همچنان یکی از مشکلات دولت استبدادی وقت و یکی از علل ناکارآمدی آن را در این می‌دانست که اکثر مردم از سواد ابتدایی و قدرت خواندن و نوشتن محروم بودند و توانایی خواندن کتاب مذهبی خود، یعنی قرآن، را نداشتند. ایشان علت این امر را هم در این می‌دانست که اساساً صلاح دولت مستبد در این است که رعایا بی‌علم و سواد باشند و عارف به حقوق خود نشوند. [22] ایشان در این خصوص، اقدامات عملی مهمی نیز انجام داد که از آن جمله می‌توان به تأسیس مدارس عام و مدرسه خاص ایتم اشاره کرد. [23]

۲-۲- آزادی: یکی از اهداف مهم و میانی حکومت اسلامی و نظام سیاسی اسلام که معمولاً در تمام نظام‌های سیاسی، حرکت‌ها و جنبش‌های انقلابی بر آن بسیار تأکید می‌شود، بحث آزادی است. این هدف در شعارهای مردم در زمان نهضت اسلامی در دوران حکومت پهلوی کاملاً مشهود است. به گونه‌ای که شعار اصلی و همیشگی راهپیمایی‌ها «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» بود که بر آزادی به عنوان یکی از اهداف اصلی انقلاب تأکید می‌کرد و تحقق آن را در چارچوب اسلام و شرع مقدس مطرح می‌ساخت. امام خمینی (ره) در این باره فرموده است: «هدف ما برقراری جمهوری اسلامی است، و برنامه ما تحصیل آزادی و استقلال است.» [24] «ما اسلام را می‌خواهیم که اسلام، آزادی به ما بدهد نه آزادی منهای اسلام.» [25] «آزادی معنایش این نیست که بنشینید برخلاف اسلام صحبت کنید، آزادی در حدود قانون است، دین کشور ما اسلام است، آزادی در حدود این است که به اسلام ضرر نخورد، قانون اساسی ما دین را اسلام می‌داند.» [26]

یکی از مشکلات اصلی حکومت نامشروع و شاهنشاهی پهلوی که امام (ره) بر آن تأکید داشتند و آن را نشانه ناکارآمدی حکومت پهلوی می‌دانستند، فقدان آزادی بود. [27]

حضرت امام (ره) هنگامی که در پاریس بود، در مصاحبه‌های مطبوعاتی خودشان در پاسخ به سؤالات خبرنگاران درباره آزادی در حکومت مورد نظر ایشان، به انواع آزادی مثل آزادی عقیده و ابراز آن، آزادی مطبوعات، زنان، اقلیت‌های مذهبی، و اصناف و احزاب اشاره، و تأکید کرد در حکومت اسلامی تمام این آزادی‌ها با رعایت قیود خاص خود وجود دارد. ایشان مهم‌ترین قیود آزادی را قانون اسلام و رعایت مصالح عمومی ملت و وابسته نبودن به بیگانگان ذکر کرده است. [28] حاج‌آقا نورالله نیز یکی از مسائل مهمی را که حکومت باید به دنبال تأمین آن باشد، آزادی دانسته و بر لزوم آن تأکید کرده است. از نظر ایشان یکی از مشکلات مهم حکومت استبدادی این است که می‌خواهد این آزادی را از مردم سلب کند، به گونه‌ای که همه بنده و چاکر دست به سینه سلطان باشند. نکته مهم این است که آزادی مد نظر ایشان نیز آزادی در چارچوب شرع مقدس و دین مبین اسلام است: «تمام خلق در غیر آنچه قانون کتاب و سنت آن‌ها را مقید نموده، باید آزاد باشند؛ نه آزادی به این معنی که بعضی از جهال خیال کرده و می‌گویند که مرادشان آزادی در مذهب باشد؛ بلکه همان حریت و آزادی مقصود است که خداوند در کتاب و سنت فرموده و آن‌ها را آزاد فرموده در مقابل بندگی.» [29]

بنابر نظر ایشان، این آزادی باید به گونه‌ای باشد که آزادی احادی مزاحم آزادی دیگری نباشد. ایشان با استناد به روایت «الناس كلهم احرار ولكن فضل الله بعضكم بعضاً» معتقد است که به‌رغم وجود آزادی، باید مقامات و شئونات هرکس نیز به جای خود محفوظ باشد و از کسی سلب شرف و عزت نشود. یکی از موارد بحث آزادی که در اقدامات عملی حاج‌آقا نورالله و برادرشان آیت‌الله آقاجفی اصفهانی مشاهده شده، آزادی بیان است. در سال ۱۳۲۰ ق جمعی از مبلغان عیسوی که از اروپا به هندوستان رفته و زبان فارسی را آموخته بودند، کتب متعددی در رد اسلام نوشتند و در هند چاپ می‌کنند. گروهی از این مبلغان به ایران آمدند که سرده‌آنها شخصی انگلیسی به نام تیزدال بود که در محله جلفای اصفهان ساکن شده و علمای اصفهان را به مباحثه دربارهٔ مذهب مسیح دعوت نمود و کتاب خود در رد اسلام تحت عنوان «ینابیع الاسلام» را منتشر کرد. [30] حاج‌آقا نورالله و آیت‌الله آقاجفی، با همراهی رکن‌الملک شیرازی و با همت و علاقهٔ مرحوم داعی‌الاسلام، انجمنی در محلهٔ جلفای اصفهان تشکیل دادند و روزنامه‌ای هم به نام «الاسلام» برای بیان مقاصد و طرح مناظرات هر دو گروه منتشر کردند. علمای دو مذهب، تا مدت‌ها در محیطی آزاد و علمی، با هم بحث و احتجاج می‌نمودند و نسخه‌های این روزنامه به سایر بلاد نیز راه یافته و بحث‌های آن مورد استناد سایر مسلمانان قرار گرفته بود. [31]

۲-۲ حاکمیت قانون اسلام: یکی دیگر از اهداف میانی حکومت که تقریباً مهم‌ترین آنها نیز می‌باشد، حاکمیت قانون اسلام است. امام(ره) همواره بر این مسأله تأکید داشتند که اولاً باید در حکومت، قانون حاکم باشد و همه چیز بر اساس قانون اجرا شود، بین حاکم و مردم در اجرای قانون هیچ فرقی نباشد و قانون بدون هیچ کم‌وکاستی و بی‌توجه به مصلحت‌اندیشی‌های ظاهری در مورد همه اعمال شود؛ ثانیاً این قانون حاکم باید قانون اسلام باشد یا حداقل منافاتی با اسلام نداشته باشد. [32]

از جمله اعتراضات ایشان به حکومت پادشاهی و غیر اسلامی پهلوی - که حاکی از ناکارآمدی آن بود - اجرانشدن صحیح قانون و منطبق نبودن آن بر موازین اسلامی بود. [33]

حاج‌آقا نورالله نیز همواره بر حاکمیت قانون اسلامی و اجرای آن برای همهٔ افراد از شاه تا گدا تأکید داشتند. [34] از جمله اعتراضات ایشان به حکومت استبدادی قاجاریه که از ناکارآمدی آن حکومت حکایت می‌کرد، اختیار بی‌حد و حصر شاه، حاکم نبودن قانون، فقدان هرگونه حد و حدودی برای سران مملکت و حاکمان محلی و اجرانشدن احکام الهی بود. مشکل حکومت‌های استبدادی این است که اساساً در این نوع حکومت‌ها تعیین حدود و تشخیص تکلیف معنا ندارد. [35]

۲-۴ عدالت و مساوات: یکی از اهداف مهم حکومت اسلامی از نظر امام(ره) تحقق عدالت و اجرای عدل اسلامی و عدالت اجتماعی در جامعه است. ایشان با اشاره به حکومت پیامبر (ص) و جمهوری اسلامی به عنوان مصادیق حکومت اسلامی فرموده است: «پیغمبر اسلام تشکیل حکومت داد مثل سایر حکومت‌های جهان لکن با انگیزهٔ بسط عدالت اجتماعی.» [36]

حاج‌آقا نورالله یکی از چشم‌اندازهای حکومت مطلوب و کارآمد را ایجاد عدالت و تحقق آن در تمام زمینه‌ها و ریشه‌کن کردن ظلم و ستم و بی‌عدالتی دانسته و معتقد است که در مملکت باید قانون عدل مجری باشد، هیچ‌کس بر دیگری ظلم و ستم نکند، کسی را به ناحق حبس نکنند، صدمه و اذیت و زنجیر ننمایند و هتک عرض و فحاشی نکنند. ایشان معتقد است وجوهی که به عنوان مالیات گرفته می‌شود باید به طور عدل و انصاف و صحت باشد و ضعیف و قوی یکسان تلقی گردند. [37] از نظر ایشان، مطابق حکم الهی در تمام حدود و مجازات باید تمام افراد مساوی باشند و احکام الهی در مورد همه اجرا شود. کسی که مرتکب خلافی شد خواه حاکم باشد یا محکوم، امیر باشد یا مأمور، باید

بر اساس قانون، حدود خاص آن بر وی اجرا شود. اگر کسی از دست حاکم یا ضابط یا یکی از اعیان شاکي شود باید به شکایت او رسیدگی گردد و اگر صدق ادعای او ثابت شد، باید احقاق حق شود و حاکم یا ضابط یا هرکس دیگر که باشد مجازات گردد.[38]

۲-۵- امنیت و رفاه: یکی از نکات بسیار مهمی که امام(ره) از همان ابتدای حرکتشان مدنظر قرار دادند برقراری امنیت و رفاه در جامعه بود. به عبارت دیگر می‌توان گفت یکی از اهداف میانی حکومت برای کارآمد بودن همین نکته است. ایشان معتقد بودند که باید عدالت اسلامی اجرا شود تا همه به استقلال و رفاه برسند.[39] حاج آقا نورالله نیز یکی از چشم‌اندازهای دولت کارآمد را تأمین رفاه مردم می‌دانست. درخصوص تأمین مسائل رفاهی، یکی از موارد مهمی که ایشان بر آن بسیار تأکید می‌کردند این است که حکومت باید زمینه اشتغال و رونق کسب و کار مردم را فراهم نماید.[40]

یکی دیگر از تأکیدات شدید ایشان در بحث امکانات رفاهی، مسائل بهداشتی و پزشکی و تأسیس مرخصخانه است. خود ایشان در اصفهان از مؤسسين و حامیان مالی مرخصخانه‌های اسلامی در اصفهان بودند و پس از تأسیس این مرخصخانه طی اعلامیه‌ای از همه قشرهای مردم دعوت کرد که در تأسیس چنین مراکزی پیش‌قدم شوند و در محافل و مجالس مختلف، با زبانی شیوا و بیانی زیبا دیگران را به چنین کارهایی تشویق و ترغیب نمایند. ایشان در مورد ضرورت تأسیس مرخصخانه نوشته است: «باید در تمام شهرها مرخصخانه باز کرد که فقرا برای آن که تمکن حالی و مالی برای علاج امراض خود ندارند، به مرخصخانه بروند که غذا و پرستاری مجانی داشته باشند و محتاج نشوند که فقرا و مسلمانان در مرخصخانه خارجه بروند.»[41]

بحث امنیت نیز مورد توجه خاص حاج آقا نورالله بوده و برای تحصیل آن پیگیری‌ها و تلاش‌های فراوانی داشته است. زمانی به علت شکایات فراوانی که از ناامنی می‌شد ایشان مسأله را از مأموران دولتی جویا شد و با پیگیری‌های فراوان و یک سلسله اقدامات مالی این مشکل را حل کرد.

۲-۶- استقلال و خودکفایی: از نظر امام(ره) یکی از اهداف میانی مهم حکومت کارآمد اسلامی، رسیدن به استقلال و خودکفایی در ابعاد مختلف است. امام(ره) مهم‌ترین مشکل حکومت پهلوی را وابستگی به کشورهای بیگانه به ویژه آمریکا می‌دانست و به راستی معتقد بود که بسیاری از اقدامات شاه در ایران، تحت فشار و بر اساس خواست آمریکا انجام می‌شود؛ لذا بسیاری از این اقدامات را به جهت امریکایی بودن آن مورد انتقاد قرار می‌دادند؛ چرا که می‌دانست آمریکا و سایر کشورهای بیگانه فقط منافع و مصالح خود را مد نظر قرار می‌دهند و هیچ‌گاه به منفعت کشورهای تحت سلطه خود مثل ایران فکر نمی‌کنند. ایشان یکی از برنامه‌های مهم خود را رسیدن به استقلال می‌دانست: «هدف ما برقراری جمهوری اسلامی است و برنامه ما تحصیل آزادی و استقلال است.»^[42]

امام‌خمينی(ره)، در نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود، بر دو امر استقلال و خودکفایی تأکید فراوان کرده و خودکفایی را مقدمه استقلال دانسته است. از نظر ایشان، وابستگی اقتصادی به وابستگی سیاسی و نظامی می‌انجامد؛ لذا باید به خودکفایی و استقلال اقتصادی رسید تا در سایر موارد فوق نیز از وابستگی‌های پیدا کرد.[43] البته امام بر این مسأله تأکید کرده است که در صورت کسب استقلال فکری هیچ قدرتی نمی‌تواند به ما ضربه بزند.

حاج آقا نورالله نیز به ضرورت کوتاه کردن دست اجانب از مملکت و رسیدن به استقلال سیاسی و اقتصادی تأکید فراوان کرده است.[44]

پس از قیام عظیم مردمی و مذهبی ملت ایران علیه قرارداد امتیاز انحصاری توتون و تنباکو و تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی، حاج آقا نورالله به فکر توسعه این تحریم به سایر کالاهای خارجی افتاد؛ لذا برای رسیدن به این هدف،

تلاش‌هایی در جهت سازندگی و خودکفایی داخلی نمود. یکی از اقدامات مهم ایشان تأسیس «شرکت اسلامی و شرکت شرافت» بود. این شرکت به گونه‌ای گسترش یافت که در همه شهرها و حتی در بعضی از کشورهای خارجی نیز دفاتری ایجاد نمود. تولیدات و منسوجات این شرکت در سراسر کشور پخش می‌گردید و مردم با عشق و علاقه لباس‌هایی که پارچه خارجی داشت از تن درمی‌آوردند و از محصولات این شرکت استفاده می‌کردند. [45] تأسیس این شرکت و نیز صدور اعلامیه‌ها، نطق‌های مهیج کردن، تشویق مردم به پرهیز از کالاهای خارجی تا مرز تحریم این کالاها، و استفاده از تولیدات محدود ملی، اقدامات مختلف ایشان در جهت رسیدن به استقلال و خودکفایی بود.

ب- امکانات

دومین عاملی که باید در بحث کارآمدی مد نظر قرار گیرد بحث امکانات است. امکانات اصول و ابزارهای مورد نیاز شامل می‌شود؛ لذا امکاناتی که امام(ره) و حاج‌آقا نورالله برای کارآمدی حکومت اسلامی لازم می‌دانستند در دو بخش اصول و ابزارها مطرح شده است.

۱- اصول:

مراد از این بخش، اصول فکری حاکم بر رفتار حکومت است که این اصول کاملاً از جهان‌بینی و نظام ارزشی حاکم بر جامعه متأثر می‌باشد. اصولی که در نظام سیاسی اسلام باید حاکم باشد تا کارآمدی آن را موجب شود عبارت است از:

۱-۱- مشروعیت: از جمله عوامل بسیار مؤثر در کارآمدی يك نظام، حقانیت و مشروعیت آن است. در جای خود ثابت شده است که از میان ملاک‌های حقانیت و مشروعیت، ملاک حقانیت و مشروعیت الهی پذیرفتنی است و هیچ يك از ملاک‌های زور و غلبه، وراثت، توافق جمعی، اکثریت و ... نمی‌تواند ملاک مشروعیت واقعی باشد. [46] مشروعیت الهی، حس رضایتمندی، اطمینان، فداکاری و مسئولیت در حاکمان و مردم را بالا می‌برد و از این طریق بر کارآمدی نظام می‌افزاید. [47] امام خمینی(ره) در کتاب «ولایت فقیه» با اشاره به نیابت فقها از ائمه معصومین(ع) به این نکته اشاره کرده است که ولی فقیه مشروعیتی الهی در حق حاکمیت دارد. [48]

حاج‌آقا نورالله یکی از اشکالات حکومت پادشاهی را نداشتن مشروعیت می‌دانست و معتقد بود که سلطنت پادشاه را به هیچ عنوان نمی‌توان مشروع شمرد. به همین دلیل، ایشان دستورات و فرامین پادشاه را واجب‌الاطاعه نمی‌دانست. ایشان، توافق جمعی، رضایت عمومی و رأی اکثریت را نیز ملاک مشروعیت قلمداد نمی‌کرد و معتقد بود قوانین و دستوراتی از مجلس شورا لازم‌الاجراست که بر اساس کتاب و سنت الهی صادر شده باشد. بر همین اساس اصل نظارت فقها بر قوانین مجلس را می‌پذیرفت و بر لزوم اجرای آن تأکید می‌کرد. ایشان در نامه‌ای که همراه سایر علمای اصفهان در زمان تحصن شیخ‌فضل‌الله نوری در حرم عبدالعظیم(ع) خطاب به مجلس نوشته نیز بر این مسأله تأکید فراوان کرده و اجرای فوری این قانون را خواستار شده است: «حضور امنای مجلس شورای ملی دامت برکاتهم ... جزء نشدن فصل نظارت علما که مرجع تقلید ناس باشند، بدون عضویت به مجلس و بدون تقید به علم به اقتضای وقت در قانون اساسی، که جزء شدن این فصل باعث بقای اساس اسلام است، مهیج علما و متشرعین و طلاب غیور در دین شد. از امنای مجلس دامت برکاتهم رفع مراتب منظور را فوراً مستدعی هستیم، والا خوف حدوث فتنه و اینکه زحمت کامله يك ساله هدر رود هست. (علمای اصفهان)

داعي شيخ محمد تقی نجفی، داعی شیخ نورالله، الاحقر شیخ مرتضی و ... سایر علما و طلاب» [49]

بنابراین ایشان اساس مشروعیت را وراثت، غلبه، رضایت عمومی و رأی اکثریت نمی‌دانست، بلکه تنها مبنای مشروعیتی که می‌توان در نظر و عمل ایشان دید، مشروعیت الهی است. حاج آقا نورالله در عمل به مشروعیت الهی اعتقاد داشت و حکومت ایشان در اصفهان، نمونه يك حکومت مشروع الهی بود؛ زیرا بزرگان فقها و استوانه‌های فقاقت و زهاد علمای حوزه بزرگ اصفهان اطاعت وی را واجب دانسته و در مقام تأیید وی بوده‌اند. لذا باید گفت: «حکومتی که به ریاست سیاسی حاج آقا نورالله در اصفهان پیاده و اجرا شده بود، از نظر عقیدتی و دیدگاه شرعی بر مبنای مشروعیت و ولایت فقیه و مجتهد سیاسی و آگاه به زمان استوار بوده است.» [50]

۱-۲- مبنای اعتقادی: یکی از اصول مهم و مؤثر در کارآمدی نظام سیاسی، مبنای اعتقادی و اندیشه‌ای است. مبنای اندیشه‌ای حکومت مطلوب از نظر امام خمینی (ره) و حاج آقا نورالله، مبنای اسلامی به طور عام و شیعی به طور خاص است؛ زیرا هر دو بزرگوار، تشکیل حکومت بر اساس مبنای اسلامی به معنای خاص شیعی آن را خواستار بودند. مبنای اندیشه شیعه نیز اموری هستند که هر کدام عامل بسیار مؤثری در افزایش کارآمدی سیاسی می‌باشند. اولین مبنای اندیشه شیعه خدامحوری و وحی‌گرایی است. اعتقاد به خداوند و وحی‌گرایی یکی از اموری است که احساس مسئولیت در برابر خداوند را موجب می‌شود و این خود تأثیر بسزایی در اجرای مسئولیت حکومتی در حاکمان دارد. یکی از مواردی که امام (ره) در کارآیی حکومت اسلامی بر آن تأکید دارند همین خدایی بودن و اعتقاد به وحی و تمسك به آن است. یکی دیگر از مبنای مهم اندیشه تشیع امامت و ولایت‌مداری است. ولایت‌مداری موجب می‌شود که عالم‌ترین و عادل‌ترین در جایگاه حاکم قرار گیرد و رهبر جامعه، الگوی جامعه و در صف مقدم عمل باشد. محور سوم در این مبنای اعتقاد به معاد است. چنین اعتقادی موجب خواهد شد در رفتار و گفتار به دلیل لزوم پاسخگویی در قیامت دقت شود. یکی دیگر از این مبنای، عدالت‌محوری است که قبلاً از آن بحث شد. مبنای مهم دیگر در اندیشه شیعه عقل‌گرایی است. عقل‌گرایی، انعطاف‌پذیری و مطابقت احکام با شرایط زمان و مکان را موجب می‌شود و خود عامل مهمی در کارآمدی حکومت است. [51]

۱-۳- رعایت مصلحت عمومی: یکی از اصول مهم حاکم بر نظام سیاسی اسلام که همان نظام سیاسی مطلوب امام (ره) می‌باشد، بحث رعایت مصلحت عمومی و منافع عامه است. امام (ره) بسیار تأکید می‌کردند که در مسائل حکومتی باید منافع عامه مردم و مصالح اسلامی لحاظ شود و جهات و عواطف شخصی مد نظر قرار نگیرد. [52] تأکید ایشان بر این مسأله تا حدی بوده که در این باره فرموده است: «حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است، در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد يك‌جانبه لغو کند و می‌تواند هر امری را چه عبادی و یا غیرعبادی است که جریان آن مخالف مصالح اسلام است، از آن مادامی که چنین است جلوگیری کند. حکومت می‌تواند از حج که از فرایض مهم الهی است در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی دانست موقتاً جلوگیری کند.» [53]

حاج آقا نورالله اصفهانی نیز معتقد بودند که در تصمیم‌گیری‌های مملکتی باید صلاح ملت و مملکت، و اسلام و مسلمانان، در نظر گرفته شود؛ نه امیال و هوس‌های شخصی يك فرد حاکم. ایشان در مورد وظیفه نمایندگان مجلس نوشته است: «در مجلس بنشینند به هر قسم صلاح ملت و مملکت را دانسته و رأی دادند، رفتار نمایند ... و هر نوعی که صلاح اسلام و مسلمین را مشخص نموده، مجرا دارند ... [نه اینکه] شخص جاهل و بی‌علم و صاحب قوای نفسانی و شهوانی و غضبانی باشد که به هر قسم میل و رضا و شهوت‌پرستی او اقتضا نماید، تمام افراد مملکت بدون چون و چرا اطاعت و انقیاد او را نمایند.» [54]

۴-۱- خدمتگزاری: یکی از اصول مهم در نظام سیاسی مطلوب امام(ره) اعتقاد به خدمتگزاری مسئولان نسبت به مردم است. واضح است که در حکومتی که مسئولان خود را خدمتگزار مردم بدانند قطعاً در جهت منافع و مصالح آنها قدم برخواهند داشت و این خود کارآمدی حکومت را به شدت افزایش می‌بخشد. امام(ره) در موارد بسیاری بر این اصل تأکید کرده است.^[55]

در وصیت‌نامه نیز ایشان ضمن بحث ضرورت خدمت به مستضعفان، از آنها به عنوان نورچشمان و ولی‌نعمتان مسئولان یاد کرده^[56] و همواره خود را خدمتگزار ملت دانسته و تأکید کرده است که مردم نیز باید چنین دیدی نسبت به ایشان داشته باشند: «اگر به من بگویند خدمتگزار بهتر از این است که بگویند رهبر، رهبری مطرح نیست، خدمتگزاری مطرح است، اسلام ما را موظف کرده است که خدمت کنیم.»^[57]

حاج آقا نورالله نیز بر این مسأله و لزوم خدمتگزاری مسئولان نسبت به مردم تأکید فراوان کرده و ضمن استفاده از تعبیر راعی و رعیت، معتقد است که راعی عنوان و مسئولیتی برای حفظ رعیت می‌باشد، نه رعیت وسیله‌ای برای خوش‌گذرانی راعی. لذا به تعبیری شبیه تعبیر امام(ره) مردم را ولی‌نعمت حاکمان دانسته است: «پادشه پاسبان درویش است. دولت به فرّ نعمت اوست... پادشاه باید شب و روز در فکر آسایش رعیت باشد... نه اینکه از آنها منتفع شود و آنها را به دست گرگان آدمی‌خوار بسپارد و خود شب و روز مشغول عیش گردد و خلقت خلق را از پرتو وجود خود داند و آنها را جهت آسایش و عیش و کامرانی خود پندارد.»^[58]

ایشان معتقد بود که یکی از علل ناکارآمدی حکومت‌های استبدادی این است که در این نوع حکومت‌ها اعتقاد بر این می‌باشد که خلقت خلق برای آسایش، عیش و کامرانی پادشاه است و رعیت باید شب و روز زحمت بکشد و حاصل زحمت و دسترنج خود را تقدیم حضور پادشاه نماید و پادشاه همیشه مشغول عیش و کامرانی باشد.^[59]

۲- ابزار:

۲-۱- نظارت و کنترل همگانی: یکی از امکاناتی که می‌توان برای تحقق کارآمدی از آن بهره گرفت بحث نظارت و کنترل است؛ خصوصاً نظارت و کنترل عمومی که از ناحیه مردم در قالب امر به معروف و نهی از منکر اعمال می‌شود، عاملی بسیار نیرومند و مهم برای کنترل تمام افراد موجود در حاکمیت و حرکت به سوی کارآمدی است. در این باره حضرت امام(ره) معتقد بود هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمامدار مسلمانان را استیضاح کند و از او انتقاد نماید و او باید جواب قانع‌کننده بدهد و در غیر این صورت اگر بر خلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد، خودبه‌خود از مقام زمامداری معزول است.^[60] ایشان در مورد وظیفه ملت در این خصوص گفته است: «همه ملت موظفاند که نظارت کنند. بر این امور نظارت کنند. اگر من یک پایم را کج گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی خودت را حفظ کن، مسأله، مسأله مهمی است.»^[61]

بر همین اساس ایشان آگاهی مردم و مشارکت و همگامی آنها با حکومت منتخب خودشان و نظارت بر آن را بزرگ‌ترین ضامن حفظ امنیت در جامعه دانسته است.^[62] حاج آقا نورالله نیز به بحث کنترل و نظارت همگانی به عنوان یکی از ارکان مهم یک نظام سیاسی کارآمد اشاره کرده و معتقد است باید از طریق نمایندگان مردم در مجلس شورا بر تصمیمات مملکتی نظارت شود تا این تصمیمات خارج از محدوده شرع نباشد و قوانین نسبت به همه اجرا شود.^[63] یکی از اشکالاتی که ایشان نسبت به حکومت ناکارآمد زمان خودشان دارند بی‌اطلاعی مردم و نظارت نداشتن آنها بر مسائل مملکتی به‌ویژه در بحث مالیات‌ها و نحوه دخل و خرج آنهاست. ایشان معتقد است در زمان سلطنت استبدادی قاجاریه در ایران، نه تنها مردم و رعیت از اینکه مالیات مملکت به کجا می‌رفت بی‌خبر بودند، بلکه امر به گونه‌ای بود که بزرگان مملکت هم می‌بایست از صورت دخل و خرج دولت ابداً اطلاعی نمی‌داشتند.^[64] یکی از

اقدامات مهم عملی حاج آقا نورالله در جهت افزایش نظارت بر امور دولتی، تأسیس «انجمن مقدس ملّی اصفهان» بود که همواره بر امور مختلف دولتی نظارت می‌کرد و نسبت به آن‌ها اظهار نظر می‌نمود. [65]

حاج آقا نورالله غیر از این اقدام عملی در جهت نظارت بر عملکرد دولت، فعالیت‌های دیگری نیز انجام داد که زمینه‌ها و بسترهای مقدماتی برای افزایش آگاهی و اطلاعات مردم و نظارت آن‌ها بر امور عمومی را ایجاد کرد. یکی از این اقدامات ایجاد خانه مطبوعات بود که تحت عنوان قرائت‌خانه از آن یاد شده است. قرائت‌خانه مکانی بود که در آنجا جراید و سایر اخبار و اطلاعات وجود داشت و کسانی که مایل بودند در این زمینه‌ها آگاهی‌هایی کسب کنند به آنجا مراجعه می‌کردند. [66]

۲-۲- نیروی انسانی متعهد و متخصص: یکی از امکانات و ابزار مهم برای کارآمد شدن حکومت استفاده از نیروهای متعهد و متخصص است. امام(ره) همواره بر تعهد و تخصص به عنوان دو بال مهم برای کارمندان و کارگزاران دولت به منظور کارآیی مفید و تحقق کارآمدی تأکید کرده است. [67]

امام‌خمينی(ره) یکی از وظایف دولت برای رسیدن به خودکفایی را قدردانی و استفاده از متخصصان و فرهیختگان جامعه دانسته است. [68] حاج آقا نورالله نیز استفاده از افراد متعهد و آگاه را یکی از ابزارهای مهم کارآمدی می‌دانست. ایشان برای تحقق تفکر اصیل و حفظ شعایر اولیه مداخله روحانیان، علمای صالح و مردمی و رجال خوشنام و ملّی را بهترین و مورد اعتمادترین راه برای حفظ منظور خود می‌شناخت. ایشان به خوبی می‌دانست که اگر رهبران اصیل و دلسوز جامعه منزوی و مطرود شوند و حاکمیت به دست افراد غیرصالح بیفتد، نهضت به تدریج به شکست خواهد انجامید. [69] در خصوص انجمن مقدس ملّی اصفهان نیز از آنجا که ایشان می‌دانست اگر این نهاد در دست افرادی فاقد صلاحیت و بی‌تعهد یا ساده‌اندیش و ضعیف بیفتد، موجب می‌شود نهضت منحرف گردد، با هوشیاری توانست دست اشخاص فاقد صلاحیت و نیز مدعی سرسخت و دشمن اصلی، یعنی ظل‌السلطان، را از این نهاد مهم کوتاه کند و بدین‌ترتیب خود و افرادی چون مدرس کنترل آن را برعهده گرفتند. [70]

۲-۳- شورا، مشارکت و همکاری: امروزه مشارکت و همیاری در زمینه‌های گوناگون اجتماعی از ملاک‌های توسعه، پیشرفت و کارآمدی نظام به حساب می‌آید. هر اندازه مردم در تصمیم‌سازی‌ها و به عهده گرفتن مسئولیت‌ها سهم بیشتری داشته باشند، توسعه، پیشرفت و کارآمدی بیشتر خواهد بود. امام(ره) نیز همواره بر مشارکت و همکاری مردم با حکومت تأکید می‌کرد و آن را ضامن امنیت جامعه می‌دانست. [71] حاج آقا نورالله نیز بر لزوم مشورت با مردم و جلب دیدگاه‌های آن‌ها در مسائل حکومتی تأکید فراوان می‌کرد. ایشان معتقد بود بحث شورا و مشورت مسأله‌ای نیست که از خارج آمده باشد و اولین بار غربی‌ها به چنین کاری دست زده باشند. از نظر وی مشورت و شورا از اموری می‌باشد که از اول خلقت آدم و عالم وجود داشته است و شخص پیامبر اکرم (ص) نیز در موارد بسیاری در مسائل حکومتی با مردم مشورت می‌کرد. البته ایشان بر این نکته تأکید می‌کند که همه امور حکومتی قابلیت مشورت ندارد. از نظر ایشان: «مطالب بر دو قسم است: يك امري که خداوند در آن امر فرموده ... در این قبیل احکام، احدي را حق سؤال و جواب و ... نیست ... يك امري است که حکم و قانون معینی در کتاب و سنت نوشته نشده ... خداوند عالم این امور را به مشورت ارجاع فرموده که مسلمانان مشورت و مصلحت‌بینی کنند و هر قسم صلاح دانند رفتار نمایند.» [72]

ایشان معتقد بود که تمام امور دولتی که در محدوده فوق می‌باشد باید بدون استثنا توسط وکلای مجلس و در مجلس شورا بررسی گردد و در آنجا راجع به آن تصمیم‌گیری شود و در نهایت به امضای فقهای ناظر بر مصوبات مجلس برسد. [73]

۴-۲- قواعد و مقررات مناسب: یکی دیگر از عوامل مهم کارآمدی يك نظام سياسي، وجود قواعد و مقررات مناسب در آن نظام است. امام(ره) همواره بر دین اسلام به عنوان دینی جامع، کامل و جاودانی تأکید می‌کرد و اعتقاد داشت که دستورات، قواعد و احکام اسلامی اموری کهنه‌شدنی نیست، بلکه به دلیل واگذاری تشخیص موضوعات احکام بر عرف متشرعه و لحاظ شرایطی چون احکام ثانویه و حکومتی، و قابلیت منطبق شدن بر شرایط زمان و مکان، بهترین و کامل‌ترین قواعد و مقررات را دارد. بر همین اساس امام(ره) معتقد بود: «اسلام اگر آن طور که هست، موفق بشویم که احکام آن را اجرا بکنیم، برای همه شما سعادت ایجاد می‌شود، برای همه ملت سعادت ایجاد می‌شود. اسلام دین آزادی و استقلال است، اسلام دینی است که همه کس به حقوق خودش می‌رسد و مراعات همه حقوق را می‌کند.»^[74]

حاج آقا نورالله نیز بر این مطلب تأکید کرده است که قوانین و مقررات مورد تصویب مجلس که حل مشکلات مردم را موجب خواهد شد، باید بر اساس احکام و دستورات دین مبین اسلام باشد. ایشان اجرای قانون اسلامی را عامل فراهم‌کننده صلاح، فلاح، رفاه و آسایش مسلمانان دانسته است.

۵-۲- حسن تدبیر و مدیریت: همچنین یکی از شرایط و شاخص‌های مهم يك حکومت شایسته و کارآمد، تدبیر نیک و مدیریت صحیح و مطلوب است که گاه از آن تحت عنوان حسن‌التدبیر، حسن‌السیاسه و یا حسن مدیریت یاد شده است. امام(ره) بر این ویژگی تأکید کرده و گاه نیز این خصلت را ذیل عقل یا علم مطرح ساخته است.^[75] حاج آقا نورالله نیز معتقد بود افرادی که قرار است وکالت مردم را بر عهده بگیرند و در مورد امور مملکتی تصمیم‌گیری نمایند، باید از حسن تدبیر و عقلانیت لازم برخوردار باشند.^[76]

ایشان همچنین در تقبیح حکومت استبدادی به عنوان يك حکومت ناکارآمد به بحث نبود علم و عقل در حاکم اشاره کرده و معتقد است وقتی قرار باشد يك نفر به عنوان پادشاه تمام امور را رتق و فتق، و تصمیم‌گیری نماید و اختیار کامل در دست او باشد، از آنجا که همیشه آن يك نفر عادل، عاقل و کامل نمی‌شود و گاهی ممکن است شخص جاهل و بی‌علم در مصدر امور باشد، حکومت کارآمدی لازم را ندارد و در موارد مختلف دچار مشکل خواهد شد.^[77]

۶-۲- جلب اعتماد مردم: از نظر امام(ره) یکی از ابزارهای لازم برای رسیدن به کارآمدی، به ویژه در بعد اقتصادی، جلب اعتماد مردم برای سرمایه‌گذاری در داخل کشور و به کار انداختن سرمایه‌های داخلی در راه رسیدن به خودکفایی است. ایشان در این باره خطاب به مسئولان دولتی فرموده است: «به مالکیت و سرمایه‌های مشروع با حدود اسلامی احترام گذارید و به ملت اطمینان دهید تا سرمایه‌ها و فعالیت‌های سازنده به کار افتد و دولت و کشور را به خودکفایی و صنایع سبک و سنگین برساند.»^[78]

حاج آقا نورالله نیز دقیقاً به همین مطلب اشاره کرده و معتقد است باید به رعایا اطمینان داد که پول‌های خودشان را به کار بیندازند و اشخاصی که به خارج رفته‌اند، و تجارت و صنعت می‌نمایند به مهمانی و امنیت تامه به مملکت آورد و آن‌ها را تشویق کرد تا فواید تجارت و صنعت آن‌ها عاید مملکت شود. ... باید طوری اطمینان داد که رعایا به دولت قرض بدهند.^[79]

نتیجه:

بررسی‌های فوق نشان می‌دهد که تفکر حاج‌آقا نورالله (ره) و امام‌خمينی (ره)، به‌ویژه در بحث کارآمدی سیاسی، تفکری مشابه و یکسان است، به گونه‌ای که در اهداف و امکانات لازم برای کارآمدی حکومت، هر دو بر اموری یکسان و هماهنگ تأکید کرده‌اند و این مسأله حاکی از این است که جوهر اندیشه سیاسی علمای شیعه در زمان‌ها و ادوار مختلف یکی است و آنچه در این میان تفاوت دارد نظام سیاسی مورد نظر علما در هر دوره می‌باشد که بر اساس امکانات، شرایط و مقدرات زمان و دوره خاص هر یک از آنها تعیین شده است.

بنابر آنچه گذشت در مدلی که برای تبیین کارآمدی ارائه شد، عوامل اصلی (اهداف، امکانات و موانع) که باید با در نظر گرفتن مجموعه آنها کارآمدی یک نظام سیاسی را سنجید، به ویژه اهداف، همواره مبتنی بر یک نظام ارزشی خاص هستند که این نظام ارزشی برآمده از یک جهان‌بینی مشخص است. بنابراین می‌توان گفت که تفاوت اصلی نظریه شیعه با تئوری‌های رایج غربی در همین جهان‌بینی ظاهر می‌شود. در جهان‌بینی اسلامی و به‌خصوص شیعی محور هستی خداست و انسان و عالم هستی بر مدار و محوریت او تعریف می‌شوند. بر همین اساس نظام ارزشی برآمده از این جهان‌بینی، نظامی الهی است، اما مبنای تئوری‌های غربی جهان‌بینی جدیدی است که پس از رنسانس با نگاه جدید انسان به خود، خدا و عالم پدید آمده است. در این جهان‌بینی محور هستی انسان است (اومانيسم) و همه چیز بر اساس خواست و اراده او تعریف می‌شود.

در جهان‌بینی الهی جلب رضایت خداوند و اجرای احکام و دستورات او یکی از هدف‌های مهم حکومت است و خواست مردم و رضایت آنها در طول رضایت الهی سنجیده می‌شود. اما در نظام سیاسی مبتنی بر جهان‌بینی اومانيستی وجود مقوله‌ای به نام جلب رضایت خداوند معنا ندارد؛ زیرا در اینجا خداوند محور نیست، بلکه انسان محور است. بنابراین در حکومت‌های غربی هم در بحث مشروعیت، رأی و خواست مردم، رضایت و قرارداد اجتماعی ملاک و معیار است و هم در بحث کارآمدی، محوری‌ترین هدف، تأمین رضایت مردم می‌باشد. به همین دلیل حکومت‌هایی که بتوانند امنیت و رفاه را برای مردم به ارمغان آورند و بیشترین امکان آزادی و تحقق خواست مردم (فقط با قید محدود نشدن آزادی دیگران) را فراهم آورند کارآمدترین حکومت‌ها محسوب می‌شوند ولو اینکه این خواست‌ها بر خلاف خواست الهی و دستورات دینی باشد، در حالی که در نظام سیاسی اسلامی، اصل اولی اجرای دستورات الهی است که البته اجرای صحیح این دستورات، تأمین رفاه و سعادت دنیوی و اخروی مردم و عمدتاً جلب رضایت آنها را موجب خواهد شد. اما اگر زمانی مردم خواستی برخلاف خواست الهی داشتند و به این دلیل نارضایتی خود را از حکومت اعلام کردند، از نظر مبانی شیعی این حکومت، ناکارآمد نخواهد بود. به تعبیر دیگر جلب رضایت مردم یکی از عوامل کارآمدی حکومت می‌باشد، ولی با این قید که رضایت مردم در طول رضایت الهی سنجیده شود. به این معنا که حکومتی که نتواند رضایت مردم را جلب نماید، در صورتی ناکارآمد است که این جلب رضایت بر خلاف رضایت نکردن و دستورات الهی باشد.

پی‌نوشت‌ها

- [1]- رك: نيكي كدي، ريشه‌هاي انقلاب ايران، ترجمه عبدالرحيم گواهي، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، چ ۳، ۱۳۸۱، ص ۵۱
- [2]- امام خميني، صحيفه نور، تهران، موسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني(ره)، سخنراني تاريخ ۱۳۵۸/۸/۸
- [3]- محمدرضا جعفري، فرهنگ نشر نو، تهران، تنوير، ۱۳۷۷، ج ۱
- [4]- علي آقابخشي، فرهنگ علوم سياسي، تهران، چاپار، ۱۳۷۹، ص ۴۴۶
- [5]- حسن گلريز، فرهنگ توصيفي لغات و اصطلاحات علوم اقتصادي، تهران، مركز آموزش بانكداري، چاپ اول، ۱۳۶۸
- [6]- درك فرنج، فرهنگ توصيفي مديريت، ترجمه محمد صائبي، تهران، مركز آموزش مديريت دولتي، ۱۳۷۱، ص ۲۱۱
- [7]- شمس‌السادات زاهدي، فرهنگ جامع مديريت، تهران، چاپ سپهر، ۱۳۷۶، ص ۱۱۱ و ۱۱۲
- [8]- اين تعريف را جناب آفای محمود فتحعلي با در نظر گرفتن تعاريف مختلفي که در مورد کارآمدي وجود دارد، به عنوان جمع بين تعاريف مختلف مطرح کرده است. (رك: محمود فتحعلي، مباحثي در باب کارآمدي، قم، مؤسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني، ۱۳۸۲)
- [9]- سيدضياء مرتضوي، «کارآمدي نظام جمهوري اسلامي»، مندرج در: مجله حکومت اسلامي، ش ۱۴، ص ۱۰
- [10]- براي مطالعه بيشتر رك: عبدالحميد ابوالحمد، مباني سياست، صص ۲۵۰ - ۲۴۰
- [11]- محمدتقی مصباح يزدي، «حکومت و مشروعيت»، مندرج در: کتاب نقد، ش ۷، صص ۴۴ و ۴۳
- [12]- محمدجواد لاريجاني، حکومت، مباحثی در مشروعيت و کارآمدی، تهران، سروش، ۱۳۷۲، صص ۳۳ - ۲۷
- [13]- عبدالعلی قوام، چالش‌هاي توسعه سياسي، تهران، قومس، ۱۳۷۸، ص ۵۳
- [14]- از آنجا که موانع موجود در هر نظام سياسي بسته به موقعيت زماني و مكاني آن نظام حاکم است و نمي‌توان دستورالعمل كلي به عنوان موانع ارائه کرد، در اين بخش به اين بحث اشاره نشده است.
- [15]- امام خميني، همان، ج ۱۳، صص ۲۱۷ و ۲۱۸
- [16]- همان، ج ۴، ص ۱۹۰
- [17]- حاج آقا نورالله اصفهاني، رساله مقيم و مسافر، مندرج در: موسي نجفي، اندیشه سياسي و تاريخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهاني، تهران، مؤسسه مطالعات تاريخ معاصر ايران، چ ۲، ۱۳۷۸، ص ۳۵۶

[18]- امام خميني، ولايت فقيه، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني(ره)، چ ۹، ۱۳۷۸، ص ۴۰

[19]- همانجا.

[20]- نگرشي موضوعي بر وصيتنامه سياسي الهي امام خميني (س)، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني (ره)، ص ۱۲۷.

[21]- حاج آقا نورالله اصفهاني، همان، ص ۳۶۹

[22]- همانجا.

[23]- روزنامه جهاد اكبر، ۱۲ رجب ۱۳۲۵.ق.

[24]- علي داستاني بيركي، آزادي در اندیشه امام خميني(ره)، تبیان، دفتر بيست و هفتم، ص ۲۸

[25]- امام خميني، صحيفه نور، همان، ج ۱، ص ۲۷۰

[26]- علي داستاني بيركي، همان، ص ۱۲

[27]- امام خميني، صحيفه نور، همان، ج ۶، ص ۲۳۳؛ علي داستاني بيركي، همان، ص ۱۳

[28]- رك: علي داستاني بيركي، همان، صص ۷۷-۶۰، ۱۵۳ و ۱۱۵

[29]- حاج آقانورالله اصفهاني، همان، ص ۳۶۵

[30]- محمد صدر هاشمي، تاريخ جرايد و مجلات ايران، اصفهان، نشر كمال، ج ۱، ص ۲۳۸

[31]- رك: موسي نجفي، همان، صص ۷۵ - ۷۴

[32]- امام خميني، ولايت فقيه، همان، صص ۸۱ - ۸۰؛ امام خميني، صحيفه نور، همان، ج ۱۰، ص ۵۳

[33]- امام خميني، ولايت فقيه، همان، صص ۲۰ - ۱۴

[34]- حاج آقا نورالله اصفهاني، همان، صص ۳۵۵ - ۳۵۴

[35]- همان، صص ۲۸۴ و ۳۶۸

[36]- امام خميني، صحيفه نور، همان، ج ۱۳، صص ۲۱۷ و ۲۱۸

[37]- حاج آقا نورالله اصفهاني، همان، صص ۳۶۱ و ۳۶۵

- [38] - همان، ص ۳۶۰
- [39] - امام خمینی، صحیفه نور، همان، ج ۶، ص ۷۷
- [40] - حاج آقا نورالله اصفهانی، همان، صص ۳۶۸ و ۳۶۹
- [41] - موسی نجفی، همان، ص ۹۷
- [42] - علی داستانی بیرکی، همان، ص ۲۸
- [43] - امام خمینی، صحیفه نور، همان، ج ۸، ص ۱۹۹
- [44] - موسی نجفی، همان، صص ۱۷ و ۱۶
- [45] - همانجا.
- [46] - محمدتقی مصباح یزدی، همان، ص ۴۳
- [47] - محمدعلی صنیعی منفرد، تثبیت و کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه الزهرا، ۱۳۸۰، ص ۱۰۵
- [48] - رک: امام خمینی، ولایت فقیه، همان، ص ۸۰
- [49] - محمد ترکمان، «نظارت مجتهدین طراز اول: سیر تطور اصل دوم متمم قانون اساسی در دوره اول تقنینیه»، مندرج در: تاریخ معاصر ایران، کتاب اول، س ۱، ش ۱، ص ۳۳
- [50] - موسی نجفی، همان، ص ۱۸۲
- [51] - رک: محمود فتحعلی، کارآمدی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲
- [52] - امام خمینی، ولایت فقیه، همان، ص ۹۹
- [53] - امام خمینی، صحیفه نور، همان، ج ۲۰، ص ۱۸۰
- [54] - حاج آقا نورالله اصفهانی، همان، ص ۳۶۰
- [55] - امام خمینی، صحیفه نور، همان، ج ۳، صص ۷۱ و ۷۰
- [56] - نگرشی موضوعی بر وصیتنامه سیاسی الهی امام خمینی (ره)، همان، صص ۲۶ و ۲۷

- [57] - امام خمینی، صحیفه نور، همان، ج ۱۰، ص ۱۲۶
- [58] - حاج آقا نورالله اصفهانی، همان، ص ۳۶۷
- [59] - همانجا.
- [60] - امام خمینی، صحیفه نور، همان، ج ۴، ص ۱۹۰. ب
- [61] - همان، ج ۷، ص ۳۳. ب
- [62] - همان، ج ۲، صص ۲۵۸ - ۲۵۷
- [63] - حاج آقانورالله اصفهانی، همان، ص ۳۶۰
- [64] - همان، ص ۳۷۹
- [65] - رک: روزنامه انجمن مقدس ملّی اصفهان، رمضان سنه ۱۳۲۵، به نقل از: موسی نجفی، همان، ص ۱۰۶
- [66] - رک: روزنامه جهاد اکبر، ۱۳۲۶. ق، به نقل از: موسی نجفی، همان، ص ۹۹
- [67] - امام خمینی، صحیفه نور، همان، ج ۱۵، صص ۱۹۳ و ۱۹۲؛ و ج ۱۹، صص ۱۹۳، ۱۸۷، ۱۴۲
- [68] - محمد شفیعی مازندرانی، درس‌هایی از وصیتنامه امام خمینی (ره)، ص ۶۰
- [69] - موسی نجفی، همان، صص ۱۷۳ - ۱۷۲
- [70] - همان، ص ۸۴
- [71] - امام خمینی، صحیفه نور، همان، ج ۲، صص ۲۵۸ و ۲۵۷
- [72] - حاج آقا نورالله اصفهانی، همان، ص ۲۵۸
- [73] - همان، ص ۳۶۸
- [74] - علی داستانی بیرکی، همان، ص ۲۰
- [75] - فیروز دولت‌آبادی، «امام خمینی منادی حکومت مطلوب و سیاستمدار مطلوب»، مجله حضور، ش ۱۵
- [76] - حاج آقا نورالله اصفهانی، همان، ص ۳۶۰

[77] - همانجا.

[78] - نگرشي موضوعي بر وصيتنامه سياسي الهي امام خميني (س)، همان، ص ۱۳۶

[79] - حاج آقا نورالله اصفهاني، همان، ص ۳۶۹